

مضامین و شعائر مذهبی منقور بر سکه‌های دوره افشاریه (۱۱۴۸-۱۲۱۰ ق.)

جواد موسوی دالینی^۱

چکیده: زمینه‌ها و تغییرات سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در شکل دادن به آثار تصویری و هنری وابسته به حکومت دارد. نوشتارها و مضامین روی سکه‌های ایرانی با سقوط و تأسیس حکومت‌ها دچار تغییرات محتوایی می‌گردد. فرمانروایان این سرزمین به علل مختلفی موجبات این تغییرات و تحولات را فراهم می‌نمودند. این پژوهش به روش ترکیبی میدانی و کتابخانه‌ای و به شیوه تاریخی-تحلیلی رابطه میان محتوای سکه‌های دوره افشاریه، روند مضامین و شعائر مذهبی نقر شده و همچنین نگرش حکمرانان این سلسله نسبت به نقر این شعائر بر سکه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. مسئله نوشتار کونی، بررسی سیر تحول مضامین و شعائر نقر شده بر سکه‌های دوره افشاریه به ویژه دوران نادرشاه به عنوان دوره‌ای پر تنش از منظر بحران مشروعیت و اندیشه‌های مذهبی است. به عبارت دیگر سعی دارد جایگاه سکه را به عنوان بازتاب‌دهنده و منتقل کننده این مفاهیم و تحول آنها آشکار سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بینش و نگرش مذهبی حکمرانان این دوره، مضامین و محتوای سکه‌های رایج را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر این، نخستین سکه‌های نادر با شعائر شیعی ضرب شده است، اما او بلافاصله پس از تاجگذاری با کنار نهادن شعائر شیعه و توسعه قلمرو، بر مضامینی که نمایشگر اقتدار و شوکت نادر است تأکید می‌کند. اهمیت موضوع در این است که با توجه به اینکه در حکومت افشاریه چالش‌های سیاسی بسیاری رخ داده است، آثار هنری و به‌طور خاص سکه‌های این دوران می‌تواند نمایشگر ظهور مضامین و نشانه‌های جدید باشد.

واژه‌های کلیدی: سکه‌شناسی، افشاریه، نادرشاه، عادل‌شاه و شاه‌رخ

Religious Themes and Motifs on the Coins of Afsharid Dynasty (1148-1210 AH)

Javad Mousavi Dalini¹

Abstract: The political and social context and changes have an important role in shaping government-related visual and artistic works. Changes in the writing and content on Iranian coins were subject to changes with the rise and fall of dynasties. Rulers of this land have caused such changes for a variety of reasons. In this research, a combination of field study, desk study and historical analytical method has been used to understand the trend of religious themes and motifs on the Afsharid coins, as well as the attitudes of the rulers of this dynasty towards such motifs. This research aims to explain the relationship between the contents of Afsharid period coins, especially the era of Nadir Shah Afshar, as an intense period full of crises of legitimacy and religious thought. In other words, it tries to understand the position of coins as a reflection of these concepts and their evolution. The results of the research indicate that the religious insight and attitude of the rulers of this period affected the content of common coins. The first coins during Nader Shah period shows Shiite rituals, however, immediately after the coronation and abandoning the Shiite rites and expansion of its territory, the content focuses on his power and glory. The significance of the issue is that, given that many political challenges have taken place in Afsharid dynasty, artwork, and in particular the coins of this era, can serve as a display of the emergence of new themes and signs.

Keywords: Numismatics, Afsharid dynasty, Nader Shah, Adel Shah, Shahrokh

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1 Assistant Professor of History Department at Shiraz University javad_shirazu@yahoo.com

طرح مسئله

هنگامی که گستری در جامعه به وجود می‌آید، این بحران باید به نحوی در قالب بازنمایی حل شود. تغییرات ایجاد شده در شکل و عبارت مضامین ممکن است بازتاب تغییرات ذهنی افراد و یا تغییرات به وجود آمده در محیط باشد. نوشته‌های روی سکه‌ها جریانی مداوم در طول تاریخ بوده که در هر دوره تغییرات خاص خود را داشته است. این تغییرات متأثر از نگرش سیاسی و مذهبی فرمانروایانی بوده که در امر طراحی، شعارها و نقوش سکه‌ها دخالت داشته‌اند.

اساس این بررسی بر طرح چند پرسش در این زمینه استوار است؛ هدف و انگیزه فرمانروایان دوره افشاریه در استفاده از شعائر مذهبی بر روی سکه‌ها چه بود؟ تأثیر بینش و نگرش مذهبی نادرشاه بر محتوای سکه‌های رایج این دوره چگونه بود؟ آیا سکه‌های ضرب شده در دوره نادرشاه جهت‌گیری‌های خاص مذهبی را نشان می‌دهد و حاکی از قدرت‌گیری مذاهب خاص و تضعیف برخی مذاهب دیگر است؟ فرضیه پژوهش آن است که بینش و نگرش مذهبی حکمرانان این دوره، مضامین و محتوای سکه‌های رایج را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر این، فرمانروایان این برهه زمانی از سکه به مثابه ابزاری در نشر شعائر دینی خود بهره گرفته‌اند و در مجموع نقوش سکه‌های این دوره با عصر پیش از خود متفاوت است.

در زمینه پیشینه تحقیق گفتنی است که در مورد سکه‌های دوره افشاریه، قبل و بعد از آن پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است از جمله: سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول^۱، تألیف ارزشمند سید جمال ترابی طباطبایی و منصوره وثیق که با سکه اسپهبدان طبرستان آغاز شده و با معرفی مسکوکات ایلک‌خانان به پایان می‌رسد. یکی از امتیازات و ویژگی‌های این اثر آن است که مسکوکات هر سلسله را به‌طور دقیق اعم از جنس، وزن و قطر معرفی کرده و سپس متن نقر شده بر روی سکه‌ها را به‌طور کامل ذکر می‌کند. سکه‌های آق‌قویونلوها و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران^۲، اثر دیگر سید جمال ترابی طباطبایی است. آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای شاهان ایران اثر رابینو^۳، بارتولد در اثر فرهنگ اسلامی^۴ از

۱ سید جمال ترابی طباطبایی و منصوره وثیق (۱۳۷۳)، سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: نشر مهدآزادی.

۲ سید جمال ترابی طباطبایی (۱۳۵۵)، سکه‌های آق‌قویونلوها و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، تبریز: اداره کل موزه‌ها.

۳ لوئی رابینو (۱۳۵۳)، سکه‌های شاهان ایرانی: آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران، به اهتمام محمد مشیری، تهران: امیر کبیر.

۴ واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (۱۳۸۹)، فرهنگ اسلامی، ترجمه لیلا ربن‌شاه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سکه‌ها در بررسی و تحلیل دوره‌های تاریخی پژوهش‌های خود بسیار بهره برده است. این مورخ روسی از فراوانی نقر نام امام رضاع) بر روی سکه‌ها و علت آن در عصر پس از نادر یاد می‌کند. کتاب‌شناسی سکه‌ها، مهرها و طغراهای پادشاهان ایران اثر محمد مشیری^۱ از پژوهشگران پرتلاش ایرانی در عرصه سکه‌شناسی تاریخی و مهرها است. سکه‌های دوره صفویه^۲ نوشته فرزانه قائینی، سکه‌های ایران از آغاز تا زندیه^۳ نوشته سرافرازی و آورزمانی، سکه‌های ضربی، چکشی ایران (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زندیه و قاجاریه)^۴ اثر فرح‌بخش؛ تاریخ سکه دوره قاجاریه^۵ تألیف داریوش شهبازی؛ دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی^۶ اثر عقیلی و «فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و مقیاس‌ها»^۷ اثر ابوالحسن دیانت. این آثار مجموعه‌ای ارزشمند از مسکوکات از عصر هخامنشیان تا دوره کنونی را در دو جلد دربر می‌گیرد که در جلد دوم، به برخی مسکوکات به‌ویژه، در ممالک همجوار اشاره شده است. در مجموع تحقیقات یادشده بیشتر به معرفی مسکوکات موزه‌های خصوصی و عمومی پرداخته و سکه‌ها را از نظر بررسی ضرابخانه‌ها، تاریخ ضرب، تعیین جنس، تزئینات و نوع خط و غیره مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین پژوهش حاضر، با سایر پژوهش‌های مذکور متفاوت بوده، بر مضامین و شعائر نقر شده بر مسکوکات دوره افشاریه متمرکز شده است. از این رو هدف اصلی پژوهش، بررسی سیر تحول مضامین و شعائر مذهبی و ارزیابی و بازشناسی آنها با یکدیگر است.

مقدمه

در اوایل قرن دهم هجری، شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ق.) حکومت مرکزی و قدرتمند صفویه را بنیان نهاد و مذهب شیعه را به‌عنوان مذهب رسمی کشور اعلام نمود. نکته بسیار مهم در این دوران، تغییر بسیار معنادار مضامین و هویت سکه‌های صفوی است. نقش بستن نام پادشاهان صفوی، القاب و جملاتی در وصف ارادت و وابستگی آنان به خاندان نبوت و

۱ محمد مشیری (۱۳۵۲)، کتاب‌شناسی سکه‌ها، مهرها و طغراهای پادشاهان ایران، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.

۲ فرزانه قائینی (۱۳۸۸)، سکه‌های دوره صفویه، تهران: پازینه.

۳ علی اکبر سرافرازی و فریدون آورزمانی (۱۳۸۳)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.

۴ هوشنگ فرح‌بخش (۱۳۸۵)، سکه‌های ضربی، چکشی ایران (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زندیه و قاجاریه)، برلین: نوین فرح‌بخش.

۵ داریوش شهبازی فراهانی (۱۳۸۰)، تاریخ سکه دوره قاجاریه، تهران: پلیکان.

۶ عبدالله عقیلی (۱۳۷۷)، دارالضرب‌های ایران دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.

۷ ابوالحسن دیانت (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، تبریز: نیما.

امامت به ویژه حضرت علی بن ابیطالب (ع) چنان بود که بر مسکوکات شاه اسماعیل اول «ناد علی»، بر سکه‌های شاه طهماسب اول، «اسامی دوازده امام (ع)»، بر سکه‌های محمد خداپسند، «غلام امام مهدی (عج)» و یا «غلام امام علی (ع)»، بر سکه‌های شاه عباس اول و دوم، «کلب آستان علی عباس»، بر سکه‌های شاه سلطان حسین، «کلب درگاه»، ضرب شده است.^۱ برخی از ابیات نقر شده بر سکه شاهان صفوی از این قرار است:

- «زمشرق تا به مغرب گر امام است / علی و آل او ما را تمام است» (اسماعیل ثانی) (تصویر ۱).^۲

- «از بهر خیر این سکه را کلب علی، عباس زد» (شاه عباس صفوی).^۳

- «سکه مهر علی را تا زدم بر نقد جان / گشت از فضل خدا محکوم فرمانم جهان» (شاه سلیمان صفوی).^۴

- «گشت صاحب سکه از توفیق رب المشرقین / در جهان کلب امیرالمؤمنین، سلطان حسین» (سلطان حسین صفوی) (تصویر ۲).^۵

- «سکه زد طهماسب ثانی بر زر کامل عیار / لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» (تهماسب دوم)^۶

همچنین در پشت سکه‌های صفوی جمله شهادتین «علی ولی الله» و در برخی موارد نام دوازده امام نقش بسته است. با حمله افغان‌ها به ایران و تصرف اصفهان به دست آنها، در محرم سال ۱۱۳۵ ق، ابتدا محمود افغان و سپس اشرف افغان به سلطنت رسیدند. با روی کار آمدن این دو حاکم سنی مذهب، تغییر اساسی در کلمات و عبارات سکه‌ها به وجود آمد. اشرف افغان در ابتدا شعری را که در آن به خلفای راشدین اشاره دارد، با این مضمون ضرب کرد «از الطاف شاه اشرف حق شعار / به زر نقش شد سکه چاپار» (تصویر ۳)^۷ و سپس با این بهانه که سکه‌ها در دست اهل رد (کافرین) بر جلاله (نام خداوند) گناه است، برای دوری

۱ نک: صفورا برومند (زمستان ۱۳۹۴)، *ضرابخانه فرح آباد: شناسایی شواهد تاریخی و سکه شناختی، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، س ۴، ش ۱، صص ۵-۱۵.

۲ صغری اسماعیلی (۱۳۸۵)، *سکه‌ها و مهرهای دوره صفوی*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، ص ۴۳.

۳ رابینو، همان، ص ۹۸.

۴ ترابی، همان، ص ۱۷۷.

۵ سرافراز و آوزمانی، همان، ص ۲۴۶.

۶ رابینو، همان، ص ۱۴۱.

۷ علی اصغر شریعت‌زاده (۱۳۹۰)، *سکه‌های ایران زمین*، تهران: پازینه، ص ۲۶۸.

جستن از هر نوع ایرادی از سوی علما و شیعیان، زیرکانه شهادتین را هم از سکه‌ها حذف کرد: «دست رد بر جلاله بود گناه/ داد تغییر سکه اشرف شاه» (تصویر ۴).^۱ این تغییر بر روی سکه‌ها پس از دو قرن حکومت شیعه مذهب صفویه صورت گرفت و نکته بسیار مهمی از لحاظ تقابل مذهبی در این مقطع تاریخی است.



محتوای مضامین شیعی سکه‌های نادری پیش از تاجگذاری

فرمانروایان سلسله صفویه بیش از دو قرن زعامت و حکومت ایران را در دست داشتند. پس از آنکه سلسله یادشده توسط محمود غلزایی سقوط کرد، غالب جامعه پذیرای حاکمان افغان نبودند. از این رو در جمادی‌الثانی سال ۱۱۴۲ ق. که نادر توانست اشرف افغان را شکست دهد و اصفهان را تصرف نماید، خود را پادشاه اعلام نکرد بلکه شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۴ ق.) را به پادشاهی منصوب و به نام وی سکه ضرب نمود. سه سال بعد به خاطر اقداماتی که شاه طهماسب انجام داد، نادر افشار وی را در ربیع‌الاول ۱۱۴۵ ق. از قدرت خلع کرد، اما باز هم خود قدرت را به دست نگرفت، بلکه فرزند هشت ماهه شاه طهماسب به نام شاه عباس سوم را به سلطنت منصوب کرد و خود به‌عنوان نایب السلطنه قرار گرفت و به نام عباس سوم (۱۱۴۴-۱۱۴۸ ق.) سکه ضرب شد.^۲ این اعمال نشانگر آن است که فضای سیاسی و مذهبی جامعه ایران به گونه‌ای بوده که نادر نمی‌توانست شاهزادگان صفوی را که دارای مشروعیت مذهبی بودند، حذف کند و خود مستقیماً قدرت را به دست گیرد، زیرا مقدمات لازم برای این موضوع فراهم نشده بود.

لازم به ذکر است که دوام و بقای یک حکومت تا حدودی زیادی به میزان مشروعیتی بستگی دارد که آن قدرت از نظر معنوی نزد هر قوم و ملتی از آن برخوردار است. بر این

۱ رابینو، همان، ص ۱۴۴.

۲ محمدکاظم مروی (۱۳۶۴)، عالم‌آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران: زوار، ص ۳۶۲.

اساس، خاندان‌های حکومتگر در طول تاریخ، این امر خطیر را نادیده نگرفته بلکه سعی کرده‌اند هرطور که شده برای خویش نوعی مشروعیت پیدا کنند. این مهم از سوی نادر که نه پایگاه خانوادگی بلندی داشت و نه مشروعیت مذهبی، بیشتر باید مورد توجه قرار می‌گرفت. از قضا نادر آن هوشمندی و درایت را داشت که ترتیبی منطقی برای تحقق چنین امر عظیمی انجام دهد. بدین صورت که علاوه بر گردهمایی دشت مغان، اعلام نمود که قدرت او اساساً نه نتیجه زور بازو، قوه شمشیر، کثرت عدّه و عدّه و تدبیر، بلکه تماماً ناشی از اراده و عنایت الهی است. آنگاه برای اثبات این دیدگاه خود به آیات قرآن کریم و الهامات اولیاء الله تمسک می‌جست.^۱

رفتارهای دینی نادر به قدری متنوع و چندگونه بود که مسئله اعتقادات مذهبی وی برای محققان به یکی از مسائل بسیار غامض و پیچیده تبدیل شده است، تا حدی که هر گروهی نظر خاصی در این باره ارائه داده‌اند. عده‌ای او را شیعه‌مذهب و برآمده از جامعه شیعه می‌دانند^۲ و عده‌ای او را پیرو اهل سنت.^۳ رفتارهای مذهبی او گاه و بیگاه با یکدیگر متفاوت و متضاد بود. شاید رفتارهای او تا قبل از سلطنت، با پس از به تخت نشستن متفاوت بوده است.

نخستین نوشته‌ای که در متون تاریخی در پیوند با ضرب سکه به وسیله نادر مطرح گردیده، به شکست ملک محمود سیستانی و فتح مشهد در سال ۱۱۳۹ ق. برمی‌گردد. پس از پیروزی نادر، شاه طهماسب دوم به وی عنوان نایب‌السلطنه و لقب طهماسب‌قلی‌خان اعطاء نمود. براساس نوشته مورخی، نادر پس از این مهم، سکه نقره‌ای در نواحی مشهد با این مضمون ضرب نمود: «شاید به فلک از اقبال رکابم / طهماسب‌قلی‌خان شده از شاه خطابم».^۴

نادر هنگامی که توانست در سال ۱۱۴۲ ق. اصفهان را از تصرف افغان‌ها نجات دهد، از سوی شاه‌تهماسب دوم به این پادشاه دست یافت که اداره امور خراسان و مالیات آن را در اختیار بگیرد. طهماسب‌قلی‌خان در همین زمان دستور داد در ولایت مزبور سکه‌ای با شعار «سلطان اقلیم ولایت علی بن موسی الرضا» ضرب زنند.^۵ نادر علاوه بر این در سال ۱۱۴۳ ق. دستور ضرب سکه دیگری با مضمون ذیل را داد که کاملاً مضامین شیعی داشت.

۱ مروی، همان، ص ۴۵۶.

۲ رضا شعبانی (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، ج ۱، تهران: نشرخوشه.

۳ جونس هنوی (۱۳۸۳)، *زندگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۹.

۴ حدیث *نادرشاهی*، (۱۳۵۶). تصحیح و تحشیه و تعلیقات رضا شعبانی، تهران: دانشگاه ملی ایران، ص ۷.

۵ استرآبادی، میرزամهدی (۱۳۴۱). *تاریخ جهانگشای نادری*، به کوشش عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۱۵۷.

روی سکه: «لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله»
پشت سکه:

«از خراسان سکه بر زر شد به توفیق خدا نصرت و امداد شاه دین علی موسی رضا»
پیرامون روی سکه: «علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد علی، حسن و محمد» (تصاویر ۵)^۱



سکه نادر قبل از رسیدن به تاج و تخت (عباسی، نقره، ضرب مشهد، ۱۱۴۳ق.). (تصویر ۵)

تغییر مضامین و شعائر مسکوکات نادرشاه پس از تاجگذاری

رفتار مذهبی نادر تا پیش از تاجگذاری از جمله ضرب سکه به مضامین و شعائر شیعی، عمران، ترمیم، زیارت ائمه اطهار(ع) و نامگذاری فرزندان، حاکی از اعتقادات شیعی او همچون دیگر ترکمانان قزلباش بود.^۲ اما سؤال اینجاست که چه شد نادر به یک باره مضامین سکه را که مشابه عصر صفوی بود، تغییر داد و از آن وجه غالب تشیع چیزی به چشم نمی‌خورد. دور از ذهن نیست که حذف اختلافات شیعه و سنی از نظر او تعریف جدیدی از دین باشد.^۳

1 L. Rabino (1974), *Album of coins, medals and seals of the shahs of Iran (1500-1948 AD)*, edited by M. Moshiri, Tehran, Amir Kabir, pp. 1-15.

۲ سیدابوالقاسم فروزانی (تابستان ۱۳۹۱)، «نادرشاه در بارگاه احمدی»، *شیعه‌شناسی*، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۲۵۲.
۳ مسئله نادر با علما موضوع دیگری بود. به‌طور کلی نادر میانه خوبی با قشر روحانی نداشت و تکیه نظام حکومتی بر آنها را بی‌فایده می‌دانست. ضبط اوقاف و خارج نمودن درآمد آن از دست علما یکی از اقدامات نادرشاه بود. البته این نوع رفتارها، به رابطه او با مذهب مردم مربوط نمی‌شد. نادر نه می‌خواست و نه می‌توانست احتیاج مردم را به مذهب از میان بردارد، تنها وی به روح مذهبی جامعه بی‌اعتنا بود. ظاهراً تا تشکیل شورای مغان در سال ۱۱۴۸ق. این تقابل صورت واضحی نداشت. ولادیمیر مینورسکی (۱۳۸۱)، *ایران در زمان نادرشاه*، رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب، ص ۲۸۲.

تمام تقاضاهای نادر در دشت مغان بجز بند موروثی بودن، ارتباط مستقیمی با وضعیت دینی داشت. آنچه از حیث بررسی اعتقادات دینی نادر از محتوا و مضامین سکه‌های مزبور مستفاد می‌شود، این است که نادر یک مسلمان واقعی پیرو دین اسلام و به احتمال زیاد عدم تعصب نادر نسبت به تشیع و تسامح مذهبی با اهل سنت، براساس سیاست‌های وقت بوده است. وی همانند صفویان از مذهب تشیع حمایت رسمی نمی‌کرد و طرفداری از خاندان صفوی را منع نمود. ذکر این نکته قابل تأمل است که نادر با توجه به سیاست‌های خاص مذهبی خویش که در جهت رفع اختلاف شیعه و سنی بود، ابتدا دستور به حذف شهادتین و اسامی ائمه (ع) داد و بجای آن از عبارت «خلدالله ملکه» که مورد قبول شیعه و اهل سنت بود، در پشت مسکوکات استفاده شد. سال جلوس نادر (۱۱۴۸ق.) به ماده تاریخ با نوشته «الخير فيما وقع=۱۱۴۸» است که بر روی سکه‌ها نقش بست. (تصویر ۶)^۱



(تصویر ۶)

نقر شدن نام ایران بر سکه نادرشاه

یکی از بزرگترین ویژگی‌های تاریخ ایران، واقعیت مستمر و پایدار ملت و دولت ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیب این مرز و بوم بوده است. در زمان ساسانیان، ایده ایران به‌عنوان یک واحد مجزا و ممتاز از سایر حکومت‌های روزگار و با مضمون سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی پی‌ریزی شد. بعد از سقوط امپراطوری ساسانی و تبدیل ایران به بخشی از قلمرو خلافت اموی و عباسی، «نام ایران» به تدریج کاربرد خود را از دست داد و به مدت شش قرن ایران یا بخشی از یک سرزمین‌های خلافت شرقی بود یا بین چند حکومت تقسیم

1 Rabino, *ibid*, pp. 1-12.

و بجای نام ایران، نام ایالات آن در منابع ذکر می‌شد که مهم‌ترین آنها خراسان و عراق عجم بودند. پس از اینکه ایلخانان مغول به قدرت رسیدند، قلمرو آنها با قلمرو تاریخی ایران تطابق داشت و از جیحون تا فرات و از خلیج فارس تا دریای خزر را دربر می‌گرفت. در این زمان بار دیگر نام ایران به‌عنوان یک جغرافیای سیاسی متحد در منابع پدیدار شد. اما بعد از سقوط ایلخانان در سال ۷۳۶ ق، هرچند نام ایران باز هم در منابع دیده می‌شود ولی بار دیگر ایران تجزیه شد و فتوحات تیمور هم آن را یکپارچه نکرد، کار مهمی که صفویه آن را به انجام رساندند.

اسمیت بر این باور است که ملت‌های باستانی ایران و مصر به علت پذیرش کیش نو و اشغال از سوی مهاجمان، در مقطعی از زمان از بین رفته‌اند. در عین حال، وی دوره صفویه در ایران را دوره‌ای استثنایی و درخور مطالعه در رویش ملت‌ها در دوره پیش از مدرنیته می‌داند.^۱ برآمدن سلسله صفویه به منزله روی کارآمدن دولتی فراگیر بود که مرزهای ایران را به عهد ساسانیان رساند، خاستگاه ایرانی داشت، مذهب شیعه را رسمی کرد و بیش از دو سده این جغرافیای واحد را حفظ نمود. این دولت از آغاز بر عنصر دیوان‌سالاری و فرهنگ ایرانی تکیه کرد و عرصه‌ای برای احیا و تقویت هویت ایرانی در ابعاد مختلف پدید آورد. بدین‌سان، نام ایران فراتر از منطقه جغرافیایی یا دلالت‌کننده بر گروه قومی است و آن را در مفهوم سیاسی و دربردارنده دولت و ملت ایران نشان می‌دهد. در این دوره مورخان و سایر اقشار باسواد جامعه از مرزهای تاریخی ایران اطلاع داشتند و در این مورد هم تحت تأثیر شاهنامه فردوسی بودند. به‌عنوان نمونه، مؤلف *لب‌التواریخ* که در نوشتن مبحث تاریخ باستانی و افسانه‌ای ایران از شاهنامه الگو می‌گیرد، می‌نویسد: «افریدون را سه پسر بود نامدار، مملکت خود بر ایشان بخش کرد: دیار مغرب تا رود فرات به پسر مهتر-سلم-داد، دیار مشرق تا رود جیحون به پسر میانه-تور-داد و میانه که تخته‌گاه بود و به ایران منسوب، به پسر کهتر-ایرج-داد».^۲

با توجه به مطالب ذکر شده هرچند مفهوم ایران در دوره صفویه به‌عنوان یک مفهوم سیاسی-اجتماعی به کشور مستقل ایران اطلاق می‌شد که برپایه هویت تاریخی این مرزوبوم

۱ آنتونی دی اسمیت (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم (نظریه، تاریخ، ایدئولوژی)*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر تمدن ایرانی، ص ۱۵۲.

۲ یحیی‌بن‌عبدالطیف قزوینی (۱۳۸۶)، *لب‌التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۴۹.

و در خاطره‌ها، اسطوره‌ها، متون، فرهنگ و زبان این مردم بار دیگر بازآفرینی شده و مفهومی متداول و رایج و شناخته‌شده و جاری بود، اما این عنوان یعنی نام «ایران» بر روی مسکوکات سلاطین عصر صفوی نقر نگردید. جالب توجه اینکه برای نخستین بار نام ایران بر روی سکه و مهر نادرشاه نقش می‌بندد، عنوانی که تا قبل از آن سابقه نداشته است: «سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان / نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان» (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.) (تصاویر ۷ و ۸).^۱

نادر با تکیه بر استعداد‌های فردی خود و با استفاده از سپاهیان تحت فرمان و منظمی که ایجاد کرد، بر رقبای داخلی و دشمنان خارجی پیروز شد. او پس از موفقیت‌هایش در بیرون راندن نیروهای خارجی، خود را منجی ایران می‌شمرد.



تصویر (۸)



تصویر (۷)

براین اساس، تجلی این مفهوم جدید به‌عنوان نامی فراگیر و عمومی بر جغرافیای سرزمینی، به‌عنوان بخشی از هویت ایرانیان پس از عقب راندن افغانه و اخراج بیگانگان از مرزهای ایران عصر شاه عباس اول صفوی، ظهور گسترده‌تری با همان ماهیت و کیفیت شکل گرفته در عصر صفویه داشته است. به بیانی دیگر مفهوم ایران در دوره افشاریه، ناظر بر کشور ایران و مساوی با هویت سرزمینی و جغرافیایی به شمار می‌رود.^۲

۱ سکه نادر شاه در موزه باغ نادری.

۲ کاربرد گسترده حاکمان و سلاطین آن دوره نیز در مکاتبات خود با نادرشاه افشار مشهود است که وی را به‌عنوان فرمانروای ایران خطاب کرده‌اند. علاوه بر این سفرنامه‌نویسان خارجی که در این دوره وارد ایران شده‌اند؛ اعم از سفراء، بازرگانان و سیاحان نیز در آثار خود نام ایران را در مفهوم کشور ایران به‌کار برده‌اند. (هنوی، همان، ص ۹۳).

نقر مضامین نمایشگر اقتدار و شوکت بر سکه‌های نادرشاه

در دوره سلطنت نادرشاه به جهت تغییراتی که در ساختار و ارکان دولت به وجود آمد، به‌رغم استفاده از مسکوکات پیشین، در عین حال متنوع‌ترین قالب‌های ضرب سکه به کار گرفته شد. سکه‌های ایام این پادشاه دارای متن‌هایی مفصل و متفاوت هستند. با توجه به اینکه نادرشاه در دوران حکومت خود مناطقی را به خاک ایران ضمیمه نمود، مسکوکاتی به نام وی با القابی از قبیل صاحبقران، گیتی‌پناه، شاه شاهان، سلطان الاعظم در قلمرو پهنایش به خط و زبان فارسی ضرب گردید که نشان از نفوذ و قدرت نادر دارد و در ذیل به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

صاحبقران: عنوان صاحبقران به حاکمی اطلاق می‌گردید که به هنگام قران سیارات، خاصه قران سعدین متولد می‌شد یا مدت حکومتش از سی سال تجاوز می‌کرد. با این حال، این لقب برای حکامی نیز که از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نبودند به کار رفته است. در تواریخ متعدد، به‌ویژه در دوره دوم صفویه، از جمله در مورد جلوس شاه عباس دوم صفوی در قصص الخاقانی به زیبایی آورده شده است: «در همان ساعت که خطبه صاحب‌قرانی بنام شهریار سلیمان وقار خوانده می‌شد، وجوه دراهم و دنانیر را بدین سکه محلی مزین فرمودند، بیت: «به گیتی سکه صاحب قرانی / زد از توفیق عباس ثانی»^۱. علاوه‌براین در ابیات دیگری از سکه‌های دوره متأخر صفویه - شاه طهماسب دوم و شاه عباس سوم صفوی - عنوان صاحبقران بر آن نقر شده است:

- «به گیتی سکه صاحبقرانی / زد از توفیق حق طهماسب ثانی» (شاه طهماسب دوم صفوی).^۲

- «سکه بر زر زد به توفیق الهی در جهان / ظل حق عباس ثالث ثانی صاحب قران» (شاه عباس سوم صفوی).^۳

با توجه به متون تاریخی مشخص می‌شود که در گذشته اطلاق لفظ صاحبقران به پادشاهان اهمیت بسیاری داشت و بیشتر حکمرانان ایران، برای نشان دادن عظمت، قدرت و

۱ ولی‌قلی‌بن‌داود قلی شاملو (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۷۰.

۲ شریعت‌زاده، همان، ص ۲۶۴.

۳ مروی، همان، ص ۳۶۲.

شجاعت خود از این لقب استفاده می‌کردند. محمد معین نیز در فرهنگ لغت خود، علاوه بر معنی بالا گفته است صاحبقران: «پادشاهی عظیم‌الشان عادل و جهانگیری که دولتش دوام داشته باشد. همچنین کسی که در عصر خود بجهتی از جهات، بر هم‌مسلمان خویش تفوقی حاصل کرده و در حرفه خود ممتاز باشد»^۱.

شاه شاهان: پادشاهی والا و بلندمرتبه که دیگر پادشاهان و حاکمان نظام‌های سلطنتی، بنده و فرمانبردار و خراجگزار او بوده و یا در موقعیت تحت‌الحماگی او قرار داشته‌اند. به چنین کسی در زبان لاتین امپراتور می‌گویند. امپراتور یا شاه شاهان، جایگاه و نیروی بالاتر و بیشتر از شاهان معمولی داشت. در فرهنگ لغت دهخدا ذیل کلمه شاه شاهان چنین می‌نویسد: «شاهی که ممتاز از شاهان دیگر باشد که بارزتر و و برتر از شاهان باشد که بر شاهان خرد سمت سروری داشته باشد»^۲.

با ملاحظه سکه‌های نادرشاه افشار در دوره‌های مختلف چنین دریافت می‌شود که بعد از قرن‌ها که بر مسکوکات ضرب شده در این سرزمین نام پروردگار و رسول الله و بعدها نام خلفا و از زمان صفویه به بعد نام حضرت علی و ائمه اطهار (ع) بر سکه‌ها آورده می‌شد، با ضرب این سکه مفاهیم دینی و مذهبی از سکه‌ها حذف گردید و این رویه تا کسب قدرت به وسیله عادل‌شاه ادامه یافت. در ذیل گونه‌های متعددی از آن سکه‌ها پس از تاجگذاری نادرشاه معرفی می‌شود.

- گونه دوم: «روی سکه: سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان / نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان» (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.) (تصویر ۹) پشت سکه: «یا جمله کوتاه» بتاریخ الخیر فیما وقع» را که به تخت نشستن او را به حروف ابجد ۱۱۴۸ نشان می‌دهد. (تصویر ۱۰).^۳
- گونه سوم: (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.) روی سکه: «سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان / نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان» (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.) (تصویر ۱۱). پشت سکه جمله «تاریخ جلوس میمنت مأنوس الخیر فیما وقع ۱۱۴۸» (تصویر ۱۲).^۴
- گونه چهارم: روی سکه: «السلطان نادر» (تصویر ۱۳) / پشت سکه: «خلد الله

۱ محمد معین (۱۳۸۹)، فرهنگ معین، ذیل عنوان صاحبقران تهران: بهزاد، ذیل عنوان صاحبقران.

۲ علی‌اکبر دهخدا (۱۳۸۹)، لغت‌نامه دهخدا، جلد هجدهم، تهران: دانشگاه تهران. ذیل عنوان شاه‌شاهان.

۳ سکه نادر شاه در موزه باغ نادری.

۴ یوسف افتخاری (۱۳۹۴)، سکه‌شناسی شاهان افشار، تهران: پازینه، ص ۷۳.

- ملکه» (۱۱۵۰-۱۱۵۲ق). (تصویر ۱۴).^۱
- گونه پنجم: روی سکه «هست سلطان بر سلاطین جهان / شاه شاهان نادر صاحبقران» (۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰ق). (تصویر ۱۵) و پشت سکه: «ضرب دارالسلطنه اصفهان» (تصویر ۱۶).^۲
- گونه ششم: روی سکه «سکه مبارک پادشاه غازی نادرشاه» (تصویر ۱۷) پشت سکه: «سنه حد جلوس والا» (ضرب محمدآباد بناری، بی تاریخ) (تصویر ۱۸).^۳
- گونه هفتم: روی سکه: «هست سلطان بر سلاطین جهان / شاه شاهان نادر صاحبقران» (تصویر ۱۹) و پشت: «خلد الله ملکه و سلطانه سنه احد، ضرب دارالامن سرهند» (۱۱۵۲ق). (تصویر ۲۰).^۴
- گونه هشتم: روی سکه «داده زیب تازه رو بر مهر و ماه / سکه نادر شه گیتی پناه» و پشت سکه «سنه احد جلوس میمنت مانوس» (۱۱۵۲ق).^۵



۱ فرحبخش، همان، ص ۶۳

۲ شریعت‌زاده، همان، ص ۲۷۰.

۳ سکه نادر شاه در موزه باغ نادری.

۴ فرحبخش، همان، ص ۶۴

۵ سکه نادر شاه در موزه باغ نادری.

محتوای مضامین مسکوکات جانشینان نادرشاه

نادرشاه در محیط ارباب و تهدید حاکمیت را به دست آورد، اما دیری نپایید که در مناطق مختلف ایران شورش‌هایی صورت پذیرفت که در سال ۱۱۶۰ ق. به قتل نادر منجر گردید. پس از قتل نادر سرجنابان و مدعیانی در صدد کسب قدرت برآمدند در حالی که هیچ‌کدام مشروعیت لازم را نداشتند. بازماندگان نادر و رؤسای ایلات هرکدام با پایگاه ضعیف اجتماعی و مذهبی که داشتند بخت خود را برای دستیابی به قدرت آزمودند، اما به دلیل عدم مشروعیت در جامعه ایران نتوانستند بر تمامی ایران مسلط شوند. مدعیان قدرت چون مشروعیت نداشتند در پناه نام امامان قرار گرفتند. در این زمان افرادی که به نام خود سکه زدند، به دو دسته تقسیم می‌شوند یک گروه از آنان که در خراسان به مرکزیت مشهد فعال بودند از قبیل برادر زادگان نادرشاه، علی‌قلی‌خان (عادلشاه ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ ق.)، ابراهیم‌شاه (۱۱۶۱ ق.) و نوه نادر، شاهرخ (۱۱۶۱ - ۱۲۱۰ ق.) گروه دیگر که در نواحی غربی و مرکزی شامل آذربایجان، فارس و اصفهان در تلاش برای کسب حاکمیت بودند. هردو گروه مجبور بودند برای کسب مشروعیتی که دارا نبودند، از شعائر مذهبی استفاده نمایند و نام ائمه اطهار(ع) را در سکه‌های خود بیاورند، آنان که در خراسان بودند نام مبارک امام رضا (ع) را بر سکه آوردند. علیقلی‌خان نام آن حضرت را بر سکه خود نقر کرد و شاهرخ نیز با اشعاری، خود را وابسته آن امام نامید و این اشعار را بر سکه‌های خود نقر نمود.^۱

بارتولد درباره ضرب سکه به نام امام رضا(ع) در این برهه زمانی ایران می‌نویسد: «هنگامی که در ایران حکومتی مورد پذیرش همگان نبود، سکه‌ای به نام علی‌بن‌موسی الرضا(ع) ضرب می‌گردید». او در ادامه توضیح می‌دهد: «هیچ دولت مسلمان دیگر حتی امپراتوری عثمانی که توانست برای هدف‌های خود از اندیشه غزوه و جهاد، جاذبه مکه و مدینه و در پی آن اندیشه خلافت بهره‌برداری کند، دارای چنین مرکز مقدسی نیست که حتی در روزگاری که دودمان حاکمی در کار نبوده است، نماد یگانگی دولت باشد».^۲

عادل‌شاه

با آغاز سلطنت عادل‌شاه تغییر جدیدی بر روی سکه‌ها به وقوع پیوست. این بار ارادت

۱ احمد شاهد (۱۳۸۹)، سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه، اسفراین: آستون، ص ۲۱۶؛

رابینو، همان، ص ۳۰.

۲ بارتولد، همان، ص ۲۶.

فرمانروایان افشاریه به ائمه اطهار(ع) در قالب ابیات شعر فارسی بر روی سکه‌ها انعکاس یافت. عادل‌شاه در سال ۱۱۶۱ ق. در تبریز سکه نقره چهارشاهی ضرب نمود که روی سکه عبارت: «لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» و پیرامون روی سکه نام ائمه اطهار (ع) «علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و محمد» به چشم می‌خورد. (تصویر ۲۱) پشت سکه عبارت «گشت رایج بحکم لمیزلی، سکه سلطنت بنام علی» ضرب شده است. گاهی اوقات کلمه «لم یزلی» به صورت سرهم یعنی «لمیزلی» نیز نوشته شده است. (تصویر ۲۲)^۱ از علیقلی خان سکه ده شاهی نقره، ضرب مشهد در سال‌های ۱۱۶۱-۱۱۶۲ ق. یافت شده که بر روی آن عبارت «لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» (تصویر ۲۳) و پشت آن: «یا علی بن موسی الرضا» حک شده است. (تصویر ۲۴)^۲ سکه دیگری از دوره عادل‌شاه موجود است (سکه ده شاهی نقره، ضرب مازندران، ۱۱۶۱ هجری) و روی سکه عبارت: «لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» آمده است (تصویر ۲۵).^۳ بر پشت این سکه نام حضرت علی(ع) و امام رضا(ع) هر دو با اشاره به نام خودش به صورت ایما آمده است: «ز بعد نادر دوران، عدالت سکه بر زر شد / به نام شاه دین سلطان علی عالم منور شد». (تصویر ۲۶)^۴

به خوبی روشن است که منظور اصلی دستگاه حکومتی علی‌شاه از بیان نام علی و استفاده از کلماتی چون عدالت و شاه دین، خود عادل‌شاه افشار است که می‌کوشد برای زدودن یاد بی‌عدالتی‌های اواخر دوران نادرشاه به حضرت علی(ع) اشاره کند که مظهر عدالت بوده است و از این رهگذر، شاه کنونی یعنی عادل‌شاه را ادامه دهنده راه آن حضرت معرفی نماید.



۱ فرح‌بخش، همان، ص ۶۷.

۲ سکه عادل‌شاه در کتابخانه و موزه ملی ملک.

۳ فرح‌بخش، همان.

۴ سرافرازی، همان، ص ۲۶۴.



ابراهیم شاه

پس از وی برادرزاده دیگر نادر به نام ابراهیم شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۲ ق.) مدت کوتاهی به حکومت رسید و گونه‌های مختلفی از سکه‌ها را ضرب نمود. رابینو سکه‌هایی از وی را با شعارهایی در وصف ائمه اطهار (ع) معرفی می‌کند:

«ز فیض حضرت باری و سرنوشت قضا
رواج یافت بر زر سکه امام رضا»^۱

از ابراهیم شاه سکه یک‌شاهی یافت گردیده است که عبارت: «یا صاحب الزمان ادرکنی اصفهان ۱۱۶۱» را دارد. علاوه بر این از ابراهیم شاه، مسکوکات دیگری نیز وجود دارد که یک روی آن «ضرب دارالسلطنه قزوین، ۱۱۶۲ ق.» نقر گردیده و بیت «سکه صاحبقرانی زد بتوفیق اله / همچو خورشید جهان افروز ابراهیم شاه» بر روی دیگر آن ضرب شده است. (تصویر ۲۷) سکه دیگری از وی وجود دارد که یک روی آن «ضرب دارالسلطنه تبریز ۱۱۶۲ ق.» است و متن «بنشست چو آفتاب نقش زر و سیم / تا یافت شرف ز سکه ابراهیم» روی دیگر آن نقر گردیده است. (تصویر ۲۸)^۲

سکه نقره شش‌شاهی دیگری که در سال ۱۱۶۲ ق در استرآباد ضرب گردیده است. عبارت «السلطان ابراهیم» در روی سکه (تصویر ۲۹) و «خلدالله ملکه» در پشت آن مشاهده می‌شود. (تصویر ۳۰)^۳



۱ رابینو، همان، ص ۲۹.

۲ سکه ابراهیم شاه افشار در کتابخانه و موزه ملی ملک.

۳ فرحبخش، همان، ص ۶۹.

شاهرخ

در بین جانشینان نادرشاه، نواده نادر، شاهرخ طولانی‌ترین زمان حکومت را در بین سال‌های (۱۱۶۱-۱۲۱۰ ق.) دارا بود. شاهرخ تا روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار مدت طولانی در مشهد، حاکمیت داشت و سکه‌های متفاوتی را ضرب نمود. از جمله آنها می‌توان به سکه زری اشاره کرد که پشت آن «ضرب مشهد مقدس، ۱۱۶۳» و روی آن بیت: «دوباره دولت ایران گرفت از سر جوانی را/ بنام شاهرخ زد سکه صاحبقرانی را» نقر شده است. (تصویر ۳۱)^۱

بر روی دو سکه از شاهرخ که در موزه ملک وجود دارد، اشعاری در احترام به علی بن موسی الرضا (ع) نقر شده است. نخست، سکه نقره به وزن یازده گرم که در سال ۱۱۹۳ ق. در مشهد ضرب شده است با این بیت که «سکه زد از سعی نادر ثانی صاحبقران/ کلب سلطان خراسان شاهرخ شاه جهان».^۲ (تصویر ۳۲) لازم به ذکر است لفظ کلب برای نخستین بار در عصر شاه عباس اول صفوی به نشانه ارادت بی‌سابقه بر روی سکه‌های صفوی نقر گردید. سکه دیگری که در سال ۱۱۶۷ ق. در رشت ضرب گردیده است و از جنس نقره به وزن تقریبی یازده گرم است با این عبارت: رو: «لاله‌الاله‌الله، محمد رسول‌الله، علی ولی‌الله» (تصویر ۳۳) و پشت آن، بیت «سکه زد در جهان بحکم خدا / شاهرخ کلب آستان رضا» نقر گردیده است. (تصویر ۳۴)^۳

«یا علی بن موسی الرضا» از جمله مضامینی است که شاهرخ افشار آن را بر سکه خود ضرب نمود.^۴ در سکه دیگری که رابینو از وی معرفی می‌نماید، این بیت به چشم می‌خورد: «آنکه باشد کلب سلطان خراسان شاهرخ / روز و شب بر درگهش سایند مهر و ماه رخ» گفتنی است در ابیات بالا گاهی اوقات اسم «شاه رخ» به جای «شاهرخ» نوشته شده است. روی سکه: «السلطان شاهرخ» (تصویر ۳۵) و پشت سکه: «خلدالله ملکه و ضرب مشهد مقدس» (بیست شاهی، نقره)، (مشهد، ۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳ ق.) (تصویر ۳۶)^۵

۱ رابینو، همان، ص ۲۹.

۲ سکه شاهرخ افشاری در کتابخانه و موزه ملی ملک.

۳ شاهد، همان، ص ۲۱۶.

4 Rabino, 1973, p. 29.

5 Ibid.



در مجموع بر روی سکه‌های جانشینان نادرشاه در سلسله افشاریه، به شیوه سلاطین پیشین صفویه از واژه‌ها و عناوینی استفاده می‌گردید که به نام ائمه اطهار (ع) اشاره داشت. مفاهیم و کلمات نقر شده بر روی سکه‌های جانشینان نادرشاه افشار نشان از تغییر سیاست مذهبی جانشینان وی دارد. تأکید بر موضوعاتی چون نام ائمه اطهار (ع)، یا صاحب الزمان ادرکنی، یا علی بن موسی الرضا، کلب سلطان خراسان در این دوره آشکار است. علاوه بر این، واژه‌ها و کلمات نقر شده بر روی سکه‌ها بر خلاف عصر نادرشاه، سبکی کاملاً شیعی داشته است.

جدول ۱. مضامین و شعائر نقر شده بر سکه‌های نادرشاه، عادلشاه، ابراهیم شاه و شاهرخ

مضامین سکه‌های جانشینان نادرشاه (۱۱۶۰-۱۲۱۸ ق.)			مضامین سکه‌های نادرشاه پس از تاجگذاری (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق.)	مضامین سکه‌های نادری پیش از تاجگذاری (۱۱۴۲-۱۱۴۸ ق.)
شاهرخ	ابراهیم شاه	عادلشاه		
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله	امام رضا	لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله	سلطنت را در جهان	لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

ادامه جدول

سکه صاحبقرانی	یا صاحب الزمان ادرکنی	لمیزلی	نادر ایران زمین	شاه دین علی موسی رضا
کلب سلطان خراسان	صاحبقرانی	سکه سلطنت بنام علی	خسرو گیتی ستان	سلطان اقلیم ولایت علی بن موسی الرضا
شاهرخ شاه جهان	بتوفیق اله	علی حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن محمد	السلطان نادر	علی حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن محمد
دولت ایران	خورشید جهان افروز	یا علی بن موسی الرضا	نادر شه گیتی پناه	
شاهرخ کلب آستان رضا	ابراهیم شاه	شاه دین	الخبیر فیما وقع	
یا علی بن موسی الرضا	السلطان ابراهیم	سلطان علی	خلد الله ملکه	
کلب سلطان خراسان شاهرخ	خلد الله ملکه		سلطان بر سلاطین جهان	
خلد الله ملکه			شاه شاهان	
السلطان شاهرخ			نادر صاحبقران	
			پادشاه غازی نادرشاه	

نتیجه گیری

سکه‌ها نمودار فرهنگ و زبان، خط و وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی هر ناحیه هستند و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار تاریخ‌نگاران و پژوهشگران قرار می‌دهند. سکه‌ها سندهای دست نخورده تاریخی هستند که برای روشن شدن برخی از ابهامات تاریخی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند.

لازم به ذکر است مسکوکات، از جمله سکه‌های این برهه زمانی، فقط به منظور تجارت و دادوستدهای بازرگانی ضرب نشده، بلکه اهداف و پیام‌های مهمی که در ضرب سکه‌ها مورد نظر بوده باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا سکه‌های این دوره، عمدتاً با توجه به مناسبت‌های سیاسی، اجتماعی و دینی ضرب می‌گردیده و هدف از ضرب و انتشار آنها، جنبه‌های ارشادی و تبلیغی و در نهایت اهداف سیاسی، مذهبی و اجتماعی بوده است. در واقع، سکه‌ها وسیله‌ای برای رساندن عقاید و اصول و آرای صاحبان سکه به مردم بودند. به تعبیری بهتر سکه به‌عنوان نماد، در این دوره، نقش رادیو، تلویزیون، روزنامه و دیگر رسانه‌های جمعی را داشته و تأثیر آن در مواردی حتی بیشتر از رسانه‌های گروهی امروزی بوده است.

پادشاهان صفویه با رسمی کردن مذهب تشیع در ایران، شعائر مذهبی خود را بر روی مسکوکات بازتاب دادند که حامل پیام‌ها و اشکال متنوعی است. شعائر شیعی به‌عنوان بخش ثابتی از نوشتار و سیاست فرمانروایان صفوی بر روی سکه ضرب می‌شد.

با نگاهی اجمالی به جملات، واژه‌ها و مفاهیم استفاده شده بر روی سکه‌های افشاریه، به نظر می‌رسد موضوع وحدانیت، نبوت و تا حدودی تأکید بر تشیع اثنی‌عشری به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر سکه‌های ضرب شده است. از یک سو وجود چنین شعائری در جامعه اسلامی امری بدیهی قلمداد می‌شود و از سوی دیگر همین موضوع دارای فراز و نشیب بوده است. در دوره سلطنت نادرشاه به جهت تغییراتی که در ساختار و ارکان دولت به وجود آمد، به رغم استفاده از مسکوکات پیشین، در عین حال متنوع‌ترین قالب‌های ضرب سکه به کار گرفته شد. سکه‌های ایام این پادشاه دارای متن‌هایی مفصل و متفاوت هستند و در غالب مناطق جغرافیای ایران ضرب شده‌اند. با توجه به اینکه نادرشاه مناطقی را به خاک خود ضمیمه نمود، مسکوکاتی به نام وی در خارج از قلمرو ایران، به‌ویژه در هندوستان به خط و زبان فارسی

ضرب گردید که نشان از نفوذ و قدرت دولت نوظهور افشاریه دارد. با ملاحظه سکه‌های نادرشاه افشار در دوره‌های مختلف چنین دریافت می‌شود که نخستین سکه‌های نادرشاه با شعائر شیعه ضرب شده است. نادرشاه می‌دانست که با خلع صفویه از قدرت، با مشکل مشروعیت مواجه خواهد شد. بنابراین با منع و فسخ عناصر اصلی شیعی که زمانی صفویه بزرگترین حامی آنها محسوب می‌شدند، سنت‌های مشروعیت‌بخش را دگرگون کرد. به بیانی دیگر نادرشاه خود را بی‌نیاز از بنیان مشروعیت صفویان می‌دانست. دغدغه اصلی او مسائل سیاسی و نظامی بود. با این حال رفتارهای متفاوت نادر قبل و بعد از سلطنت و تا جایی که منابع ذکر کرده‌اند، همگی نشان می‌دهند که وی اگرچه شیعه بود، اعتقادات عمیق مذهبی نداشت.

نادر پس از تاجگذاری و توسعه قلمرو با کنار نهادن شعائر شیعه، مضامین سکه‌ها را تغییر داد که این تغییرات با تمایل‌های سیاسی و مذهبی این پادشاه پیوند داشت. مضامین عبارت گیتی پناه، شاه شاهان، السلطان الاعظم همگی نمایشگر اقتدار و شوکت نادر است و به قدرت دنیوی پادشاه اشاره دارد و اقتباسی از نگرش و رویکرد دنیوی حکومت ذکر شده است که نادر آن را تکرار کرد. این تغییر مضامین در تمامی سکه‌های نادرشاه افشار پس از تاجگذاری وی دیده می‌شود. نکته بسیار بااهمیت درباره مضامین مسکوکات نادرشاه این است که تمام سکه‌های او این وضعیت را دارند و این مسئله صرفاً به یک، دو و یا چند نمونه محدود اختصاص ندارد.

اما پس از نادرشاه، سایر فرمانروایان افشاریه (عادل‌شاه، ابراهیم و شاهرخ) بار دیگر اشعار و عبارات مذهبی را جهت اثبات ارادت به خاندان نبوت و ائمه اطهار(ع) در سکه‌ها به کار بردند؛ زیرا جانشینان نادر به دلیل عدم مشروعیت مذهبی در جامعه ایران نتوانستند بر تمامی ایران مسلط شوند. مدعیان قدرت چون مشروعیت مذهبی نداشتند در پناه نام امامان قرار گرفتند و نام ائمه اطهار(ع) را در سکه‌های خود آوردند. آنان نام مبارک امام رضاع(ع) را بر سکه حک نمودند. علیقلی خان و ابراهیم نام آن حضرت را بر سکه خود نقر کردند و شاهرخ نیز با اشعاری خود را وابسته به آن امام نامید و متنی در این زمینه بر سکه‌های خود نقر نمود.

منابع و مآخذ

- استرآبادی، میرزاهمدی (۱۳۴۱)، تاریخ جهانگشای نادری، به کوشش عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی.

- اسماعیلی، صغری (۱۳۸۵)، سکه‌ها و مهرهای دوره صفوی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم (نظریه، تاریخ، ایدئولوژی)، ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- افتخاری، یوسف (۱۳۹۴)، سکه‌شناسی شاهان افشار، تهران: پازینه.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۸۹)، فرهنگ اسلامی، ترجمه لیلاربن‌شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برومند، صفورا (زمستان ۱۳۹۴)، «ضرابخانه فرح آباد: شناسایی شواهد تاریخی و سکه شناختی»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۴، ش ۱، صص ۵-۱۵.
- ترابی طباطبایی، سیدجمال؛ وثیق، منصوره (۱۳۷۳)، سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: نشر مهدآزادی.
- ترابی طباطبایی، سیدجمال (۱۳۵۵)، سکه‌های آق‌قویونلوها و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، تبریز، اداره کل موزه‌ها.
- حدیث نادرشاهی (۱۳۵۶)، تصحیح و تحشیه و تعلیقات رضا شعبانی، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، تبریز: نیما.
- رایینو، لویی (۱۳۵۳)، سکه‌های شاهان ایرانی: آلپوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران، به کوشش محمد مشیری، تهران: امیر کبیر.
- سرافرازی، علی‌اکبر، آورزمانی، فریدون (۱۳۸۳)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. تهران: سمت.
- شاملو، ولی‌قلی بن داود قلی (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاهد، احمد (۱۳۸۹)، سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه، اسفراین: آستوئن.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، سکه‌های ایران زمین، تهران: پازینه.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۸)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران: نشر خوشه.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰)، تاریخ سکه دوره قاجاریه، تهران: پلیکان.
- عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷)، دارالضرب‌های ایران دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- علاالدینی، بهرام (۱۳۹۱)، سکه‌های مسی ایران: فلوس دوره‌های صفوی تا قاجاریه، تهران: یساولی.
- فرح‌بخش، هوشنگ (۱۳۸۵)، سکه‌های ضربی، چکششی ایران (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زندیه و قاجاریه)، برلین: نوین فرح‌بخش.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (تابستان ۱۳۹۱)، «نادرشاه در بارگاه احمدی»، شیعه‌شناسی، س ۱۰، ش ۳۸، صص ۲۲۹-۲۵۴.
- قائینی، فرزانه (۱۳۸۸)، سکه‌های دوره صفویه، تهران: پازینه.

- قزوینی، یحیی بن عبدالطیف (۱۳۸۶)، *لب التواریخ*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لکهپارت، لارنس (۱۳۵۷)، *نادرشاه*، ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، *عالم آرای نادری*، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- مشیری، محمد (۱۳۵۲)، *کتابشناسی سکه‌ها، مهرها و طغراهای پادشاهان ایران*، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان
- معین، محمد (۱۳۸۹)، *فرهنگ معین*، تهران: بهزاد.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۱)، *ایران در زمان نادرشاه*، رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- هنوی، جونس (۱۳۸۳)، *زندگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سکه‌های باغ موزه نادر شاه در مشهد.
- سکه‌های کتابخانه و موزه ملی ملک.
- Rabino Di Borgomale, H. L. (1974), *Album of coins, medals and seals of the Shahs of Iran (1500-1948 AD)*, edited by M. Moshiri, Tehran: Amir Kabir.
- Hanway, Jonas, (1753), *A historical account of the British trade over the Caspian sea*, Vol. 2, London: Dodsley & Others.

